# جلسه نهم 24/6/1393

گفتیم نماز طواف واجب دو شرط دارد، یکی این که خلف المقام باشد و دیگر این که عند المقام باشد، یعنی قریب من المقام باشد، و روایات خلفیت را بررسی می کردیم که روایت اول مطرح شد و در دلالت آن مناقشه شد و اینک باقی روایات:

#### روایت دوم: صحیحه معاویة بن عمار

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِذَا فَرَغْتَ مِنْ طَوَافِكَ فَائْتِ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ ع- فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ اجْعَلْهُ إِمَاما وَ اقْرَأْ فِي الْأُولَى مِنْهُمَا سُورَةَ التَّوْحِيدِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ- وَ فِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ- ثُمَّ تَشَهَّدْ وَ احْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ص وَ اسْأَلْهُ أَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكَ الْحَدِيثَ.[[1]](#footnote-1)

به این تقریب که و اجعله اَماما یعنی مقام ابراهیم باید در جلوی شما باشد و اگر اِمام باشد که از جهت عرفی جلوتر از ماموم است و از جهت شرعی، در اقتداء یک ماموم به امام گفته شده در سمت راست امام بایستد، اما این بحث شرعی است، اما اگر جامدی را بگویند امام قرار بده، ظاهرش این است که باید در جلوی شما قرار بگیرد.

علاوه که بعید نیست که اماما به فتح همزه باشد و تناسب بیشتری داشته باشد و لذا دلالت این روایت بر وجوب خلفیت تمام است.

ان قلت: این صحیحه مقترن به جمله ای از مستحبات است که بعد از حمد در هر کعتی چه سوره ای خوانده شود و بعد از نماز دعا شود و امر مذکور در کنار مستحبات دیگر، ظهور در وجوب پیدا نمی کند.

قلت: این که سیاق، قرینه بر رفع ید از ظهور خطاب در وجوب شود، محل کلام است و به نظر ما دارای مناقشه است، مگر مستحبات آن قدر غلبه داشته باشد که دیگر خطاب امر، ناچیز باشد و در ما نحن فیه چنین نیست، زیرا یک امر در آن که قطعا وجوبی است و آن صل رکعتین است و یک امر قطعا مستحبی است کما ذکر و در وسط این دو امر، گفته شده واجعله اماما و اوامر مستحبی در این خطاب به حدی نیست که سبب رفع ید از ظهور امر واجعله اماما در وجوب شود.

اگر مثل محقق خوئی یا مرحوم امام و آیت الله زنجانی باشیم که فرموده اند اصلا خطاب امر، ظهور در وجوب ندارد، چه این که وجوب حکم عقل باشد کما عن المحقق الخوئی و چه این که گفته شود خطاب امر، حجت عقلائی است بدون ظهور در وجوب، یعنی این عقلاء هستند که بعد از امر مولا، احتجاج می کنند که مولا امر کرد، چرا امتثال نکردی؟ کما عن السید الامام و الزنجانی و طبق این دو مسلک، بقاء وجوب واضح تر است، زیرا از باب ظهور امر در وجوب، حکم به وجوب نشده که با قرینه سیاق، دست از ظهور برداشته شود.

نکته: آیت الله زنجانی از واجعله بیش از لزوم خلفیت استفاده کرده و فرموده باید طوری در خلف بایستد که هم کعبه و هم مقام، هر دو قبله شخص نمازگزار باشد.

ولی به نظر ما از این تعبیر چنین ظهوری استفاده نمی شود، زیرا روایت نفرموده و اجعله قبلة، بلکه فرموده و اجعله اماما که یک مطلب عرفی است و در صدق آن نیاز به آن چه آیت الله زنجانی فرمودند، نیست.

شاید ایشان از این روایت هم استفاده نکرده باشد و از آیه و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی چنین استفاده ای کرده باشد، بنابر این که آیه این گونه معنا شود که اتخذوا مقام ابراهیم جهة یصلی الیه.

ولی آیه هم چنین ظهوری ندارد، زیرا مصلی یعنی مکان نماز و نه قبله نماز.

ان قلت: مقام ابراهیم یک سنگ است و نمی شود آن را مکان برای نماز خواندن قرار داد، هم کوچک است و هم از سطح زمین بلندتر است و نمی توان آن را به مکان نماز معنا کرد، فلامحالة به معنای قبله نماز باید معنا شود.

قلت: وقتی در خود مقام نمی توان نماز خواند، قرینه عرفیه وجود دارد که مقصود از مصلی، اطراف مقام است.

#### روایت سوم: مرسله صفوان عمن حدثه

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا خَلْفَ الْمَقَامِ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى- فَإِنْ صَلَّيْتَهَا فِي غَيْرِهِ فَعَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ.[[2]](#footnote-2)

گرچه این روایت مرسله است، ولی طبق شهادت شیخ طوسی، صفوان و ابن ابی عمیر و بزنطی لایروی و لایرسل الا عن ثقة و لذا این روایت سندا معتبره است.

دلالت روایت بر لزوم خلفیت نیز واضح است.

ان قلت: امام علیه السلام به آیه استشهاد فرموده و آیه هم که دلالت بر لزوم خلفیت نمی کند و فقط دلالت بر لزوم قرب به مقام دارد و لذا شاید این قرینه باشد که امام علیه السلام می خواهد خلف را مثال عرفی برای عندیت بگیرد، زیرا نوعا کسانی که عند المقام نماز می خواندند، خلف المقام می خواندند، اما تاکید امام بر خلفیت نیست، به قرینه استدلال به آیه شریفه.

قلت: کم نیست استدلال ائمه به آیاتی که اگر ما بودیم، آن گونه استدلال نمی کردیم و لکن هل یعرف القرآن الا من خوطب به، گرچه ظهور کتاب حجت است، اما معانی که از ظهورات کشف نمی شود را ائمه علیهم السلام برای ما توضیح می دهند و من جمله همین آیات و یا روایتی که حضرت فرمود دست دزد از انگشتان باید قطع شود، زیرا ان المساجد لله، در حالی که ما چنین چیزی از آیه استفاده نمی کردیم، بلکه لولا این روایت چنین استفاده می کردیم که مقصود از مساجد، امکنه اقامه نماز است و نه محل سجده در دستان.

البته محقق خوئی فرموده: در تفسیر آیه دو روایت وارد شده که از آن استفاده می شود مقصود آیه وجوب خلفیت است، که همان دو روایت اول و دومی است که قبلا ذکر شد و بعید است که مقصود از آیه، نماز خواندن در اطراف مقام باشد و لذا به همین قرینه، اصلا ظاهر آیه، لزوم خلف قرار دادن مقام در هنگام بجا آوردن نماز طواف است.

معنای این فرمایش این است که عملا استدلال روایات به آیه را توجیه کنیم، ولی ما این فرمایش را قبول نداریم، زیرا؛

اولا: در آن دو صحیحه که ایشان اشاره فرموده، اصلا آیه مطرح نشده تا گفته شود این دو روایت در تفسیر آیه شریفه وارد شده است.

ثانیا: این که گفته شده بعید است مقصود آیه این باشد که صلوا اطرافه، ناصحیح است، زیرا چنان که گذشت وقتی می گویند بر فلان سنگ کوچک نماز بخوانید، قرینه است که مقصود، نماز خواندن در اطراف آن است.

ان قلت: حرف جر «من» در اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی چه معنایی دارد؟

قلت: مثل این عبارت است که اتخذت من فلان خلیلا، این به معنای ابتدائیت است که گاهی به «من» نشویه از آن تعبیر می شود، ولی استشهاد امام علیه السلام به آیه، نه از باب ظهور آیه در معنای خلفیت است، بلکه از باب تفسیر آیه است به آن چه مقصود واقعی از آن است.

#### روایت چهارم: روایت ابی عبد الله ابزاری

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَبْزَارِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ فِي الْحِجْرِ- قَالَ يُعِيدُهُمَا خَلْفَ الْمَقَامِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى- عَنَى بِذَلِكَ رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ.[[3]](#footnote-3)

#### نقد سندی روایت چهارم

گرچه دلالت این روایت بر لزوم خلفیت تمام است، ولی «ابی عبد الله ابزاری» توثیق ندارد و لذا از این جهت روایت چهارم قابل استدلال نیست.

#### روایت پنجم: صحیحة معاویة بن عمار

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَجُلٌ نَسِيَ الرَّكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) فَلَمْ يَذْكُرْ حَتَّى ارْتَحَلَ مِنْ مَكَّةَ- قَالَ فَلْيُصَلِّهِمَا حَيْثُ ذَكَرَ وَ إِنْ ذَكَرَهُمَا وَ هُوَ فِي الْبَلَدِ فَلَا يَبْرَحْ حَتَّى يَقْضِيَهُمَا.[[4]](#footnote-4)

به این تقریب که سائل، لزوم خلف المقام بودن به هنگام نماز طواف را مفروغ عنه گرفته و امام علیه السلام نیز بر او این مطلب را انکار نفرمود.

#### نقد دلالت روایت پنجم

شاید این که سائل خلف المقام را مفروغ گرفته، از باب بیان فرض متعارف بوده است ولو به سبب افضلیت آن، نه این که فرض واجب را مفروغ گرفته باشد و امام علیه السلام هم که تایید نکرد.

#### روایت ششم: صحیحه حلبی

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّمَا نُسُكُ الَّذِي يَقْرُنُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ مِثْلُ نُسُكِ الْمُفْرِدِ لَيْسَ بِأَفْضَلَ مِنْهُ إِلَّا بِسِيَاقِ الْهَدْيِ وَ عَلَيْهِ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ صَلَاةُ رَكْعَتَيْنِ خَلْفَ الْمَقَامِ وَ سَعْيٌ وَاحِدٌ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ بَعْدَ الْحَجِّ الْحَدِيثَ.[[5]](#footnote-5)

دلالت روایت واضح است بر لزوم بجا آوردن نماز طواف خلف المقام در حج افراد و قران و فقط حج تمتع را نگفته و لکن احتمال خصوصیت ندارد و لذا به حج تمتع هم تعدی می شود.

#### روایت هفتم: روایت سلیمان بن حفص مروزی

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْمَرْوَزِيِّ عَنِ الْفَقِيهِ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ فَدَخَلَ مَكَّةَ مُتَمَتِّعاً فَطَافَ بِالْبَيْتِ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَ سَعَى بَيْن‏ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَصَّرَ فَقَدْ حَلَّ لَهُ كُلُّ شَيْ‏ءٍ مَا خَلَا النِّسَاءَ لِأَنَّ عَلَيْهِ لِتَحِلَّةِ النِّسَاءِ طَوَافاً وَ صَلَاة.‏[[6]](#footnote-6)

#### نقد سندی روایت هفتم

گرچه دلالت روایت بر مدعی تمام است، ولی سندش ضعیف است، زیرا «سلیمان بن حفص مروزی» توثیق نشده و فقط در رجال کامل الزیارات است که به نظر ما در دلیل بر وثاقت نمی شود، کما این که روایاتی احیانا با مضامین غریب نقل کرده است.

#### روایت هشتم: صحیحه معاویة بن عمار

{ان رسول الله صلی الله علیه و آله}... فَطَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيم‏...[[7]](#footnote-7)

#### نقد دلالت روایت هشتم

اولا: فعل آن حضرت دلالت بر وجوب نمی کند و شاید چون مستحب بوده، خلف المقام نماز خوانده اند

ثانیا: در آن زمان مقام ابراهیم وصل به کعبه بوده و امکان نداشته که در جانبین مقام نماز خوانده شود.

#### روایت نهم: صحیحه زرارة

وَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنِ الَّذِي يَلِي الْمُفْرِدَ لِلْحَجِّ فِي الْفَضْلِ فَقَالَ الْمُتْعَةُ فَقُلْتُ وَ مَا الْمُتْعَةُ فَقَالَ يُهِلُّ بِالْحَجِّ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ- فَإِذَا طَافَ بِالْبَيْتِ فَصَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ خَلْفَ الْمَقَامِ- وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَصَّرَ وَ أَحَلَّ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ أَهَلَّ بِالْحَجِّ وَ نَسَكَ الْمَنَاسِكَ وَ عَلَيْهِ الْهَدْي‏.[[8]](#footnote-8)

دلالت این صحیحه نیز بر مدعی تمام است.

#### روایت دهم: مرسله برنطی عن بعض اصحابنا

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ وِزْراً فَقَالَ مَنْ يَقِفُ بِهَذَيْنِ الْمَوْقِفَيْنِ عَرَفَةَ وَ الْمُزْدَلِفَةِ- وَ سَعَى بَيْنَ هَذَيْنِ الْجَبَلَيْنِ ثُمَّ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ- وَ صَلَّى خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) ثُمَّ قَالَ فِي نَفْسِهِ وَ ظَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ وِزْراً.[[9]](#footnote-9)

سند روایت معتبره است، زیرا مرسله بزنطی است که به شهادت شیخ طوسی، از غیر ثقه ارسال نمی کند و ظاهرش این است که کسی که واجبات حج و من جمله نماز خلف المقام را انجام بدهد و گمان کند که خدا او را نبخشیده است، از کسانی است که عظیم ترین گناهان را مرتکب شده است.

#### روایت یازدهم: روایت نجیه

وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ نَجِيَّةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا دَخَلَ الْمُعْتَمِرُ مَكَّةَ غَيْرَ مُتَمَتِّعٍ فَطَافَ بِالْبَيْتِ وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ- وَ صَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ ع- فَلْيَلْحَقْ بِأَهْلِهِ إِنْ شَاء.[[10]](#footnote-10)

نجیه از مشایخ صفوان است که به شهادت شیخ طوسی از غیر ثقه روایت نمی کند و علاوه بر آن که کشی نقل می کند که محمد بن عیسی در وصف او گفته: *نَجَبَةُ بْنُ الْحَارِثِ شَيْخٌ صَادِقٌ كُوفِيٌّ صَدِيقُ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ.[[11]](#footnote-11)*

#### نتیجه گیری

برخی از این روایات از جهت سند و دلالت تمام است و لذا این که مرحوم امام فرموده احتیاط واجب این است که خلف المقام نماز خوانده شود، فقط توجیهش این است که به ملاحظه کلام شیخ طوسی بوده که فرموده خلافی در اجزاء نماز در غیر از خلف المقام نیست که البته ما گفتیم قطعا شیخ طوسی در این ادعاء اشتباه کرده است.

1. وسائل الشيعة ج‏13 423 71 باب وجوب كون ركعتي الطواف الواجب خلف المقام حيث هو الآن و استحباب قراءة التوحيد و الجحد فيهما و ذكر الله بعدهما ..... ص : 422 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة ج‏13 425 72 باب أن من صلى ركعتي طواف الفريضة في غير المقام لزمه أن يعيد خلفه الركعتين ..... ص : 425 [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة ج‏13 425 72 باب أن من صلى ركعتي طواف الفريضة في غير المقام لزمه أن يعيد خلفه الركعتين ..... ص : 425 [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة ج‏13 432 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-4)
5. وسائل الشيعة ج‏11 218 2 باب كيفية أنواع الحج و جملة من أحكامها ..... ص : 212 [↑](#footnote-ref-5)
6. وسائل الشيعة ج‏13 444 82 باب وجوب طواف النساء في الحج مطلقا و في العمرة المفردة دون عمرة التمتع ..... ص : 442 [↑](#footnote-ref-6)
7. وسائل الشيعة ج‏11 214 2 باب كيفية أنواع الحج و جملة من أحكامها ..... ص : 212 [↑](#footnote-ref-7)
8. وسائل الشيعة ج‏11 255 5 باب استحباب العدول عن إحرام الحج إلى عمرة التمتع لمن لم يسق الهدي و لم يتعين عليه الإفراد و لم يلب بعد الطواف ..... ص : 254 [↑](#footnote-ref-8)
9. وسائل الشيعة ج‏11 96 38 باب استحباب التطوع بالحج و العمرة مع عدم الوجوب ..... ص : 93 [↑](#footnote-ref-9)
10. وسائل الشيعة ج‏14 306 5 باب أن من تمتع بالعمرة إلى الحج سقط عنه فرض العمرة ..... ص : 305 [↑](#footnote-ref-10)
11. رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال النص 452 في نجبة بن الحارث ..... ص : 452 [↑](#footnote-ref-11)